مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی
دوره 22، شماره 4، زمستان 91، صفحات 307 تا 312

Original Article

همبستگی سبک‌های دلبستگی با اضطراب صفت- حالت

محبوبه صفوی[1]، شیرین معروفی[2]

[1] استادیار، دکترای مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پزشکی تهران
[2] مربی، کارشناس ارشد روان پرستاری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مهاباد

چکیده

سابقه و هدف: *اضطراب از شایع‌ترین اختلالات روانی است. پیشگیری از عوامل زمینه ساز اضطراب اهمیت زیادی داشته و از بسیاری از مشکلات و تحمیل هزینه‌ها می‌کاهد. این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا) و ابعاداضطراب (حالت، صفت) صورت گرفت.*

روش بررسی: *در این پژوهش توصیفی- همبستگی، 400 (217پسر ،183 دختر) دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد به طور تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، مقیاس سبک دلبستگی (هازن و شیور) و مقیاس اضطراب (حالت، صفت اسپیل برگر) بود. داده‌ها با نرم افزار SPSS (version 14) و از طریق میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شدند.*

یافته‌ها: *بین سبک دلبستگی ایمن با اضطراب صفت در بین دانشجویان پسر رابطه معنی‌دار؛ بین سبک دلبستگی اجتنابی با اضطراب صفت در بین دانشجویان پسر رابطه غیر معنی‌دار و بین سبک دلبستگی دوسوگرا با اضطراب صفت در بین دانشجویان پسر رابطه معنی‌داری وجود داشت. همچنین، بین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با اضطراب حالت در بین دانشجویان پسر رابطه معنی‌داری مشاهده شد. بین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با اضطراب صفت - حالت در بین دانشجویان دختر رابطه معنی‌داری وجود نداشت.*

نتیجه‌گیری: *شکل گیری ارتباط ایمنی بخش، عامل محافظ در برابر اضطراب می‌باشد.*

واژگان کلیدی: *سبک دلبستگی، اضطراب حالت، اضطراب صفت.*

مقدمه

اضطراب یک علامت هشدار دهنده است که خبر از خطری قریب الوقوع می‌دهد و شخص را برای مقابله با تهدید آماده ساخته و او را نسبت به تهدیدات آسیب جسمی (Threat of bodily damage)، درد، درماندگی، تنبیه احتمالی، یا ناکامی در نیازهای اجتماعی یا جسمی آگاه می‌سازد، یا از جدایی افراد مورد علاقه، تهدید موفقیت یا حالت و بالاخره تهدید تمامیت و کمال خبر می‌دهد (1). اختلالات اضطرابی، 5-2 برابر اقدام به خودکشی را افزایش می‌دهد. همچنین با افزایش سوءمصرف مواد و الکل و سیگار همراه است (2).

مکنی و مک کیب (2006، به نقل از سادوک وسادوک2003) می‌گویند: حدود 19/1 میلیون نفردر ایالت متحده یعنی 13/3درصد از جمعیت 54-18 ساله آن به اختلالات اضطرابی مبتلا هستند (3). سادوک و سادوک (2007) از افزایش اختلالات اضطرابی در ایالت متحده (حدود 30 میلیون نفر) خبر می‌دهند و زن‌ها 2برابر بیشتراز مردان مبتلا هستند (1). در ایالت متحده، هزینه‌ای که صرف اختلالات اضطرابی می‌شود بالغ بر 42 بیلیون دلار در سال است که معادل یک سوم 148 بیلیون دلاری است که صرف بیماری‌های بهداشت روانی می‌شود (4). طبق بررسی نوربالا و همکاران، 34/2

آدرس نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد پزشکی، دکتر شیرین معروفی
(**email**: shirinmarofi_22015@yahoo.com)
تاریخ دریافت مقاله: 90/10/7
تاریخ پذیرش مقاله: 91/6/15

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-24]

درصد افراد 15ساله و بالاتر مشکوک به اختلال روانی بودند. علایم اضطراب و جسمانی سازی نسبت به علایم افسردگی و اختلال عملکرد اجتماعی شایع‌تر بودند (5). محققان دو نوع اضطراب را از هم تفکیک کرده‌اند: اضطراب صفت و اضطراب حالت. اضطراب صفت جزئی از شخصیت است که در یک دوره زمانی طولانی وجود دارد و با مشاهده حالت‌های فیزیولوژیکی، هیجانی و رفتارهای شناختی در فرد اندازه گیری می‌شود. اضطراب حالت در نتیجه یک موقعیت استرس‌زا در فردی که کنترل هیجاناتش کاهش یافته است بروز می‌کند. در هر یک از این مراحل شخص تغییراتی را در رفتار و توانایی شناختی و عاطفی خود نشان می‌دهد (6). رینک اظهار می‌دارد که ایجاد روان بنه‌های مضطرب به دلیل الگوهای نا کارآمد دلبستگی است. وی همچنین می‌گوید: دلیل اصلی مسیر رشد افراد به سمت اضطراب، پیشرفت احساس فقدانی است که در دلبستگی‌شان در ارتباط به والدین خود داشته‌اند (7). دلبستگی یک نوع پیوند هیجانی است که با رفتار حفظ مجاورت با یک شخص خاص به ویژه تحت شرایط پراسترس مشخص می‌شود (8). موضوع پیوند عاطفی مادر وکودک، در اروپا از جنگ جهانی دوم که مادران جهت انجام کار از کودکانشان جدا می‌شدند و محرومیت مادرانه به بار آورد، مورد توجه روانشناسان قرار گرفت (9). بالبی به وجود شباهت‌هایی بین رفتار بچه انسان و بچه حیوانات هنگامی که از مادرانشان جدامی‌شوند پی برد؛ هنگامی که رفتارشناسان میمون‌ها را از مادرانشان جدا می‌کردند رفتارهای ضد اجتماعی بیشتر از خود نشان می‌دادند و پایه‌های نظریه دلبستگی شکل گرفت (10). آزمون‌های تجربی این نظریه توسط اینزورث، بلهار، واترز و وال (1978) با ابداع پروسه آزمایشگاهی موقعیت ناآشنا، بر اساس تجارب تعاملی مادر- کودک و کیفیت مراقبت‌دهی موجب شناسایی سه سبک دلبستگی در کودکان شد (11). سبک اول "دلبستگی ایمن" کودکانی هستند که از مراقبشان به عنوان پایه‌ای ایمن جهت تنظیم اضطراب و آشفتگی وقتی با محرک یا حالت استرس زا مواجه می‌گردند، استفاده می‌کنند. دومین سبک " دلبستگی اجتنابی" به کودکانی اشاره می‌کند که نمی‌توانند از مراقبشان به عنوان منبع راحتی و تنظیم عواطف منفی استفاده کنند، این کودکان تمایل به اجتناب یا نادیده گرفتن مراقبشان دارند. سومین سبک " دلبستگی دوسوگرا " شامل کودکانی می‌گردد که اعمال دو سویه و بی ثبات در مواقع آشفتگی در برخورد با مراقبشان انجام می‌دهند، بیش ازحد به مراقبشان می چسبند، همچنین عصبانیت و رفتارهای طردشدگی نشان می‌دهند (12،13). متعاقباً هازن و شیور (1987) در راستای سبک‌های دلبستگی کودکان و بر اساس مشاهدات و تحقیقات متعدد، این سه سبک را در بزرگسالان که ادامه کیفیت روابط کودکی است شناسایی و تأیید کردند (14). تحقیقات، رابطه بین اضطراب و دلبستگی را نشان داده‌اند. بنابراین با توجه به نقش دلبستگی در شکل‌گیری اضطراب و همچنین این مسئله که هیچ پژوهشی در جمعیت ایرانی در مورد رابطه بین انواع اضطراب (صفت و حالت) و سبک‌های دلبستگی صورت نگرفته است، پژوهشگران بر آن شدند تا به بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و اضطراب صفت- حالت بپردازند.

مواد و روشها

پژوهش حاضر، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد سال تحصیلی 1388-1387بودند. از بین این دانشجویان، با استفاده از روش نمونه گیری احتمالی از نوع طبقه‌ای، 400 دانشجو از رشته‌های مختلف تحصیلی در حوزه‌های علوم پایه، ادبیات و علوم انسانی، کشاورزی و فنی مهندسی داوطلبانه در این پژوهش شرکت کردند. مطالعات اولیه نشان می‌دهد که کمترین میزان سبک‌های دلبستگی دلبستگی نا ایمن دوسوگرا حدود حداقل 10درصد است؛ لذا با به کارگیری در فرمول زیر نمونه‌ای به حجم 400 برای اعتماد 95 درصد و اشتباهی کمتر از 3 درصد جوابگوی بررسی خواهد بود.

$$n=\frac{z^2_{1-\frac{\alpha}{2}}\times P(1-p)}{d^2} \quad \Rightarrow n=\frac{1/96^2\times \%10(\%90)}{(\%3)^2}=400$$

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسش‌نامه مشخصات دموگرافیک، پرسش‌نامه سبک دلبستگی بزرگسال هازن و شیور، (Adult Attachment Questionnaire) و پرسش‌نامه اضطراب صفت- حالت اسپیل برگر (Spiel Berger State-Trait Anxiety) بود. پرسش‌نامه هازن و شیور (AAQ) نیز که برای سنجش دلبستگی افراد به کار گرفته شد دو بخش دارد. در بخش نخست (AAQ1)، بر اساس علامتی که آزمودنی‌ها به سه بند اصلی پرسش‌نامه بر مبنای مقیاس هفت درجه‌ای از نوع لیکرت به گویه‌های توصیفی ارزش‌دهی می‌کنند. به این طریق که به گزینه کاملاً مخالفم نمره صفر، تا حدی مخالفم نمره 1 و به همین طریق به کاملاً موافقم نمره 6 تعلق می‌گیرد. به این صورت مقیاس رتبه ای لیکرت با تبدیل به

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-24]

نمرات و استفاده از مقیاس فاصله‌ای در تحلیل‌ها به کار می‌رود. با توجه به سه توصیفی که باید در این بخش مورد قضاوت آزمودنی قرار گیرد، 3 نمره به دست می‌آید که نمره اولین توصیف میزان دلبستگی ناایمن اجتنابی (AV)، دومین توصیف میزان دلبستگی ناایمن دوسوگرا (AM)، و سومین نمره میزان دلبستگی ایمن (S) را نشان می‌دهد. بخش دوم این پرسش‌نامه (AAQ2) به صورت انتخاب اجباری است. آزمودنی‌ها براساس آن که کدام یک از سه توصیف را در تطابق بیشتر در ویژگی خود بدانند تنها یکی از آنها را در پاسخ‌نامه باید علامت بزنند؛ بنابراین شماره‌های 1، 2 و 3 به عنوان مقیاس‌های اسمی نمایانگر اجتنابی و ایمن می‌باشند که به طور مجزا در تحلیل‌ها به کار گرفته می‌شود. پایایی پرسشنامه هازان و شیور با استفاده از شیوه آزمون- مجدد در پژوهش‌های فراوانی ثابت شده است. برای نمونه، در مورد سنجش مقوله‌ای (AAQ2)، ثبات شیوه آزمون- آزمون مجدد 70 درصد، و در مقیاس‌های پیوسته یا درجه‌بندی توصیفی (AAQ1) در محدوده زمانی 1 تا 8 هفته، پایایی 60 درصد برآورد شده است (15). روایی پرسش‌نامه هازن و شیور نیز در نمونه ایرانی با بررسی میزان همبستگی سه توصیف اصلی بخش نخست در نمونه‌ای 100 نفری از آزمودنی‌ها به استناد روایی واگرا بررسی شد. نتایج نشان داد که سه توصیف پرسش‌نامه سه محتوای جداگانه را می‌سنجند (16). در مطالعه خوانین زاده و همکاران (1384) ضریب آلفای کل این مقیاس 0/64 گزارش شده است (17). پس از تعیین اعتبار محتوای این پرسش‌نامه، پایایی آن در مطالعه حاضر با روش همسانی درونی توسط آلفای کرونباخ 0/78 برآورد گردیده است.

ابزار سنجش اضطراب اسپیل برگر از دو قسمت اضطراب حالت (آشکار) و صفت (پنهان) تشکیل شده است و در مجموع 40 سؤال می‌باشد. 20 گزینه اضطراب حالت و 20 گزینه اضطراب صفت را اندازه گیری می‌کند. جهت تعیین اعتماد تست اضطراب اشپیل برگر، مهرام (1373) در هنجاریابی آزمون اضطراب اشپیل برگر در شهر مشهد که روی 600 نفر پژوهش انجام داد و پایایی تست مذکور را از طریق فرمول آلفای کرونباخ در مورد مقیاس اضطراب حالت 91 /0، مقیاس اضطراب صفت 90 /0 و کل مقیاس 94 /0 گزارش کرد. برای بررسی روایی شیوه ملاک همزمانی را به کار برد که بر پایه آن در هر دو مقیاس اضطراب حالت و اضطراب صفت تفاوت‌های معنی‌داری در سطح 0/01 و 0/05 میان گروه‌های بهنجار و ملاک و بر پایه مقایسه میانگین‌ها گزارش نمود (18). ضریب آلفای کرونباخ برای همین پرسش‌نامه در مطالعه حاضر 0/90 به دست آمد.

یافته‌ها

میانگین سنی (± انحراف معیار) آزمودنی‌ها 1/54±21/28 سال (دامنه 18تا23 سال) بود. اکثر دانشجویان مؤنث (54/3درصد) ،20 ساله (25درصد)، مقطع کارشناسی (59 درصد)، در حوزه علوم انسانی (31/8درصد)، در خانواده‌ای با تعداد اعضای 3 نفر (49 درصد)، معدل اکثریت افراد 15-17 (44/7 درصد)، شغل پدرشان کارمند (70/2درصد) و شغل مادرشان خانه‌دار (80 درصد) بود.

47/3 درصد واحدهای مورد مطالعه سبک دلبستگی ایمن، 28/3 درصد سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی و 24/5 درصد نیز سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا بودند. بیشترین درصد دانشجویان دختر دارای سبک دلبستگی ایمن (49/8 درصد) و بیشتر دانشجویان پسر، سبک دلبستگی ایمن (44/3 درصد) داشتند.

میانگین نمره‌های آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی اجتنابی از میانگین نمره‌های آزمودنی‌های ایمن و دوسوگرا در مورد اضطراب حالت بالاتر بود. میانگین نمره‌های آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی دوسوگرا از میانگین نمره‌های آزمودنی‌های ایمن و اجتنابی در مورد اضطراب صفت بالاتر بود. میانگین نمره‌های آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی ایمن از میانگین نمره‌های آزمودنی‌های دوسوگرا و اجتنابی در مورد هر دو متغیر اضطراب صفت و حالت پایین‌تر بود.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک دلبستگی ایمن با اضطراب حالت همبستگی معکوس و معنی‌دار (R^2=0/21)، بین سبک دلبستگی اجتنابی با اضطراب حالت همبستگی مستقیم و معنی‌دار (R^2=0/13)، و بین نمرهٔ سبک دلبستگی دوسوگرا با اضطراب صفت و اضطراب حالت (R^2=0/21) همبستگی مستقیم و معنی‌دار وجود دارد (جدول 1).

بر اساس یافته‌های بدست آمده در پژوهش حاضر با توجه به جدول 2 ملاحظه می‌شود که بین سبک دلبستگی ایمن با اضطراب صفت در بین دانشجویان پسر رابطه معنی‌دار؛ بین سبک دلبستگی اجتنابی با اضطراب صفت در بین دانشجویان پسر رابطه غیرمعنی‌دار و بین سبک دلبستگی دوسوگرا با اضطراب صفت در بین دانشجویان پسر رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با اضطراب حالت در بین دانشجویان پسر رابطه معنی‌داری مشاهده شد.

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-24]

جدول 1- ضریب همبستگی پیرسون بین سبک‌های دلبستگی وابعاد اضطراب دانشجویان

اضطراب / سبک دلبستگی	صفت	حالت
ایمن	-0/04	-0/145†
اجتنابی	0/05	0/118*
دوسوگرا	0/145†	0/145†

* p<0/05، † p<0/01

جدول 2- همبستگی بین سبک‌های دلبستگی و ابعاد اضطراب در دانشجویان پسر

اضطراب / سبک دلبستگی	صفت	حالت
ایمن	-0/232†	-0/218†
اجتنابی	0/09	0/235†
دوسوگرا	0/355†	0/221†

* p<0/05، † p<0/01

جدول 3- همبستگی بین سبک‌های دلبستگی وابعاد اضطراب در دانشجویان دختر

اضطراب / سبک دلبستگی	صفت	حالت
ایمن	-0/02	-0/05
اجتنابی	0/04	0/14
دوسوگرا	0/05	0/09

* p<0/05، † p<0/01

با توجه به سطوح معنی‌داری به دست آمده در جدول 3 ملاحظه می‌شود که بین سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با اضطراب صفت و حالت در بین دانشجویان دختر رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

بین سبک‌های دلبستگی با ویژگی‌هایی مانند سن، جنس، حوزه تحصیلی، مقطع تحصیلی، تعداد اعضای خانواده و شغل پدر و مادر ارتباطی یافت نگردید؛ اما بین سبک‌های دلبستگی و معدل رابطه معنی‌داری مشاهده شد (p<0/01، r=0/48).

بحث

در پژوهش حاضر، سبک دلبستگی ایمن پایین‌ترین میانگین اضطراب صفت و حالت را دارد. در همین رابطه میشل و دایاماس در تحقیق خود بر روی دانشجویان ثابت کردند که شرکت کنندگان با سبک دلبستگی ایمن اضطراب و افسردگی پایین و اعتماد به نفس بالایی دارند؛ عکس این حالت در شرکت کنندگان با سبک دلبستگی ناایمن صادق بود (p<0/001) (19). در پژوهش احدی و همکاران میزان سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا در افراد مبتلا به وسواس به طور معنی‌داری بیشتر از افراد بهنجار بود (20). ذوالفقاری مطلق و همکاران نیز در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که درمان مبتنی بر دلبستگی بدون مداخله مستقیم در مدیریت اضطراب کودک یا آموزش مدیریت اضطراب کودک به والدین، می‌تواند علایم اضطراب جدایی کودک را کاهش دهد. با توجه به نتایج یافته‌های به دست آمده بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا با اضطراب حالت همبستگی مثبت معنی‌داری وجود دارد (p<0/01). این نتیجه تحقیق مشابه است با نتایج تحقیق دیتزن و همکاران که در آن نیزسبک دلبستگی دوسوگرا پایین در مقابل بالا تأثیر معنی داری بر کاهش اضطراب حالت شرکت‌کنندگان از قبل از استرس به بعد از تأثیر استرس دارد (p<0/03) (21). نقش دلبستگی بزرگسال در استرس پس از سانحه در یک جمعیت غیر نظامی در منطقه جنگی (میکولینسر و همکاران 1993)، در گروهی که برای آموزش نظامی استخدام شده بودند (میکولینسر و فلورین 1995)، در اسرای جنگی (ژاکین و همکاران 2003)، سربازان قدیمی جنگ (دکل و همکاران 2004) و بازماندگان کودک واقعه هولوکاست (کهن و همکاران 2002) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان دادند که دارندگان سبک‌های ناایمن دوسوگرا نمرات استرس پس از سانحه بالاتری داشتند (22).

پژوهش حاضر نشان داد بین سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا با اضطراب صفت همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد (p<0/01). این نتیجه با نتایج تحقیق والش و همکاران که نشان دادند بین دلبستگی دوسوگرا و اضطراب صفت همبستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (p<0/001)، همسو است (23). همگام با آن، نتایج پژوهش دیتزن و همکاران نشان داد بین دلبستگی دوسوگرا با اضطراب صفت همبستگی مستقیم و معنی‌داری وجود دارد (p<0/001) (21). نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر بیانگر این است که همبستگی بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی با اضطراب حالت مثبت و معنی‌دار است (p<0/05). این نتیجه تحقیق مشابه است با نتیجه تحقیق دیتزن و همکاران که نشان دادند سبک دلبستگی اجتنابی پایین با کاهش در اضطراب حالت، ازقبل از اعمال استرس به بعد از اعمال آن دارد (p<0/05) (21). در این پژوهش، بین سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی با

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-24]

اضطراب صفت، همبستگی مثبت اما غیرمعنی‌داری به دست آمد. این یافته پژوهش حاضر با نتایج تحقیق دیتزن و همکاران که در آن سبک دلبستگی اجتنابی با اضطراب صفت رابطه مثبت، اما غیرمعنی‌داری، وجود دارد (p=0/40) مطابقت می‌کند (21). تبیین احتمالی بر اساس گفته‌های بشارت و همکاران این است که آزمودنی‌های دارای سبک دلبستگی اجتنابی در مقایسه با آزمودنی‌های دوسوگرا کمتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد نایافته و نوروتیک استفاده می‌کنند و بیشتر از مکانیسم‌های دفاعی رشد یافته سود می‌برند. اجتنابگری به منزله یک سبک دفاعی به افراد اجتنابگر این امکان را می‌دهد که با کناره‌گیری از موقعیت‌های تعارضی از قدرت سازشی بیشتری در مقایسه با دوسوگراها برخوردار باشند. تأثیر متقابل این خصیصه به صورت کاهش تنش در روابط بین شخصی و همچنین در موقعیت‌های تنیدگی‌زا می‌باشد (24). در این پژوهش، بین سبک‌های دلبستگی و معدل رابطه معنی‌داری مشاهده شد. در همین راستا، یافته‌های پژوهش آتش روز، پاک دامن و عسگری نشان دهنده رابطه معنی‌دار دلبستگی مادر، پدر و همسالان (r=0.378، r=0.352 و r=0.342) با پیشرفت تحصیلی بود (r=0/378، r=0/352، r=0/342) (25). ویگنولی و همکاران در مطالعه خود نشان دادند که سبک دلبستگی با موفقیت تحصیلی در دختران مرتبط است (26). در حالی که این مطالعه گام مهمی در ارزیابی نقش سبک‌های دلبستگی در اضطراب است و عوامل متعددی می‌توانند در توجیه تفاوت بین یافته‌های پژوهش‌های مختلف نقش داشته باشند. در این پژوهش، رابطه سبک‌های دلبستگی با اضطراب ضعیف بود. دلیل این اختلاف شاید تفاوت فرهنگی جوامع و یا تفاوت در جامعه مورد پژوهش باشد. همچنین به دلیل تأثیر نقش جنسیتی و تسلط بیشتر مردان بر شرایط استرس‌زا در جامعه، تفاوت در رابطه سبک‌های دلبستگی و اضطراب در دو جنس مشهود است. البته چون این مطالعه اولین بررسی و تحقیق درباره اضطراب و سبک دلبستگی در ایران بوده، لذا نتیجه‌گیری و تعمیم آن باید با احتیاط صورت گرفته و مستلزم بررسی‌ها و تحقیقات بیشتری می‌باشد. مهم‌ترین کاربرد عملی این پژوهش، اخطار به والدین و مراقبان کودک در ایجاد سبک دلبستگی ایمن در کودکانشان برای پیشگیری اولیه از اضطراب صفت- حالت کودک است.

از سوی دیگر از آنجا که تغییر دلبستگی ناایمن بعد از شکل گیری آن، به درمان اختلالات اضطرابی ناشی از بی‌کفایتی دلبستگی اولیه کمک کند (27)، کاربرد بعدی در واقع پیشگیری ثانویه و غربالگری افراد دارای سبک های ناایمن و اصلاح سبک‌های دلبستگی آنها از طریق مشاوران، گامی در راه بهبود اضطراب آنان است. همان گونه که میشل و دایوماس در کاربرد تحقیق خود اشاره داشته‌اند، با ارزیابی سبک‌های دلبستگی بزرگسال می‌توان افراد در معرض خطر را شناسایی و راهکارهای مداخله‌ای و درمانی لازم را در مورد آنها به کار ببریم (19).

نویسندگان این مقاله برای بررسی دقیق‌تر، انجام مطالعات طولی رابطه سبک‌های دلبستگی و اضطراب صفت – حالت را پیشنهاد می‌کنند. همچنین بررسی مقایسه‌ای رابطه سبک‌های دلبستگی و اضطراب صفت – حالت دربیماران با اختلالات اضطرابی و افراد عادی مکمل یافته‌های پژوهش حاضر خواهد بود.

تشکر و قدردانی

در پایان از کلیه دانشجویانی که در این پژوهش شرکت کردند، کمال تشکر و سپاس را داریم.

REFERENCES

1. Sadock BJ, Sadock VA, Editors. Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry. Behavioral sciences/clinical psychiatry. 10th ed. North American: Lippincott Williams & Wilkins; 2007. p.1472.
2. Fong G, Garralda E. Anxiety disorders in children and adolescents. Clinical Syndromes 2005; 4: 64-77.
3. Macnee CL, Mccabe S, Editors. Understanding nursing research: reading and using research in evidence-based practice. 2nd ed. North American: Lippincott Williams & Wilkins; 2006. p.448.
4. Stuart G and Laraia M. Straight A's in psychiatric and mental health nursing, principles and practice of psychiatric nursing. 2nd ed. North American: Lippincott Williams & Wilkins; 2006. p.384.
5. Noorbala A, Bagheri Yazdi SA, Asadi Lari M, Vaez Mahdavi MR. Mental health status of individuals fifteen years and older in Tehran-Iran. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology 2011; 16: 479. [In Persian]
6. Shives L, Isaacs A, Editors. Psychiatric mental health nursing. 10th edition. North American: Lippincott Williams & Wilkins; 2007. p.702.

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-24]

7. Reineck MA. Suicide as an attachment behavior, Center for Cognitive Therapy [Dissertation]. Chicago, USA: University of Chicago; 2002. P.58-114.

8. McLewin LA, Muller RT. Attachment and social support in the prediction of psychopathology among young adults with and without a history of physical maltreatment. Child Abuse Neglect 2006; 30: 171-91.

9. Goodwin I. The relevance of attachment theory to the philosophy, organization and practice of adult mental health care. Clin Psychol Rev 2003; 23: 35–56.

10. Zulueta F. Inducing traumatic attachment in adults with a history of child abuse. Forensic Practice 2006; 8: 1-11.

11. Essakow JG, Rapee M .Attachment, Behavioral Inhibition, and anxiety in preschool children. J Abnorm Child Psychol 2005; 33: 131–43.

12. Muris P. Self-reported attachment style, attachment quality, and symptoms of anxiety and depression in young adolescents. Pers Individ Dif 2001; 30: 809-18.

13. Muris P, Meesters C. Attachment, behavioral inhibition, and anxiety disorders in normal adolescents. Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment 2002; 24: 97-106.

14. Monteoliva J, Garcia AM. Adult attachment style and its effect on the quality of romantic relationships in Spanish students. J Soc Psychol 2005; 145: 745-47.

15. Feeney JA, Noller P. Attachment style as a predictor of adult romantic relationships. J Pers Soc Psychol 1990; 58: 281-90.

16. Pakdaman SH. The survey relationship between attachment Styles and socialism in adolescents [Dissertation]. Tehran: Tehran Psychology University; 2001. [In Persian]

17. Khavaninzadeh M. Comparison of attachment style of students with intrinsic-extrinsic religious orientation [Dissertation]. Tehran: Tarbiat Modarres University; 2002. [In Persian]

18. Mahram B. The manual anxiety inventory (Spiel Berger State-Trait). Journal of Mashhad University of Psychology Sciences 1995; 34: 4-9. [In Persian]

19. Mitchell H, Doumas D. The relationship between adult attachment Style and depression, anxiety, and self-esteem. Psychological Association Annual Conference 2004; E17:1-7.

20. Simonelli WG. Attachment models and their relationships whit anxiety. Worry and depression. J Couns Clini Psychol 2004; 1: 107-18.

21. Ditzen B, Schmidt S, Strauss B, Nater UM, Ehlert U, Heinrichs M. Adult attachment and social support interact to reduce psychological but not cortisol responses to stress. J Psychosom Res 2008; 64:479-86.

22. Declercq F, Willemsen J. Distress and post-traumatic stress disorders in high risk professionals: adult attachment style and the dimensions of anxiety and avoidance. Clin Psychol Psychother 2006; 13: 56–63.

23. Walsh J, Balint MG, Smolira SJD, Fredericksen LK, Madsen S. Predicting individual differences in mindfulness: the role of trait anxiety, attachment anxiety and attentional control. Pers Individ Dif 2009; 46: 94–99.

24. Besharat MA, Sharifi M, Irvany M. The survey relationship between adult attachment style and defense styles. Journal of Psychology 2001; 45: 277-89. [In Persian]

25. Atashroz B, Pakdaman Sh, Asgary A. The relationship between the attachment Style and academic achievement. Research Family 2008; 5: 193-203. [In Persian]

26. Vignoli E. Career exploration in adolescents: the role of anxiety, attachment, and parenting style. Journal of Vocation Behavior 2005; 67: 153-68.

27. Bogels SM, Brechman TM. Family issues in child anxiety: attachment, family functioning, parental rearing and beliefs. Clin Psychol Rev 2006; 26: 834-56.

[Downloaded from tmuj.iautmu.ac.ir on 2026-11-24]